

## خواجه علاءالدین خوافی؛ قدیمی ترین نامی که بین واقفان فرش است

و ثلث دیگری برای مرمت عمارت یاد شده و خرچ مسافرانی که عزیمت طواف روضه منوره را داشته باشند و فرش و روشنایی و یک نفر مستحفظ برای رباط صرف شود. خواجه خوافی وقتی رباطش را وقف فرش کرده نمی دانسته سنتی ماندگار را رقم زده است.

ما همان افرادی هستیم که با ذوق، این هنر را خلق کردیم اما در مورد آن نوشتیم تا آن را به یادگار بگذاریم. این نقص تاریخی ما ایرانی‌هاست که به داشته‌های خودمان توجه عمیق و ریشه‌ای نداریم.

ما همان افرادی هستیم که با ذوق، این هنر را خلق کردیم اما در مورد آن نوشتیم تا آن را به یادگار بگذاریم. این نقص تاریخی ما ایرانی‌هاست که به داشته‌های خودمان توجه عمیق و ریشه‌ای نداریم.

ما همان افرادی هستیم که با ذوق، این هنر را خلق کردیم اما در مورد آن نوشتیم تا آن را به یادگار بگذاریم. این نقص تاریخی ما ایرانی‌هاست که به داشته‌های خودمان توجه عمیق و ریشه‌ای نداریم.

ما همان افرادی هستیم که با ذوق، این هنر را خلق کردیم اما در مورد آن نوشتیم تا آن را به یادگار بگذاریم. این نقص تاریخی ما ایرانی‌هاست که به داشته‌های خودمان توجه عمیق و ریشه‌ای نداریم.

ما همان افرادی هستیم که با ذوق، این هنر را خلق کردیم اما در مورد آن نوشتیم تا آن را به یادگار بگذاریم. این نقص تاریخی ما ایرانی‌هاست که به داشته‌های خودمان توجه عمیق و ریشه‌ای نداریم.

ما همان افرادی هستیم که با ذوق، این هنر را خلق کردیم اما در مورد آن نوشتیم تا آن را به یادگار بگذاریم. این نقص تاریخی ما ایرانی‌هاست که به داشته‌های خودمان توجه عمیق و ریشه‌ای نداریم.

ما همان افرادی هستیم که با ذوق، این هنر را خلق کردیم اما در مورد آن نوشتیم تا آن را به یادگار بگذاریم. این نقص تاریخی ما ایرانی‌هاست که به داشته‌های خودمان توجه عمیق و ریشه‌ای نداریم.

ما همان افرادی هستیم که با ذوق، این هنر را خلق کردیم اما در مورد آن نوشتیم تا آن را به یادگار بگذاریم. این نقص تاریخی ما ایرانی‌هاست که به داشته‌های خودمان توجه عمیق و ریشه‌ای نداریم.

ما همان افرادی هستیم که با ذوق، این هنر را خلق کردیم اما در مورد آن نوشتیم تا آن را به یادگار بگذاریم. این نقص تاریخی ما ایرانی‌هاست که به داشته‌های خودمان توجه عمیق و ریشه‌ای نداریم.

ما همان افرادی هستیم که با ذوق، این هنر را خلق کردیم اما در مورد آن نوشتیم تا آن را به یادگار بگذاریم. این نقص تاریخی ما ایرانی‌هاست که به داشته‌های خودمان توجه عمیق و ریشه‌ای نداریم.

ما همان افرادی هستیم که با ذوق، این هنر را خلق کردیم اما در مورد آن نوشتیم تا آن را به یادگار بگذاریم. این نقص تاریخی ما ایرانی‌هاست که به داشته‌های خودمان توجه عمیق و ریشه‌ای نداریم.

ما همان افرادی هستیم که با ذوق، این هنر را خلق کردیم اما در مورد آن نوشتیم تا آن را به یادگار بگذاریم. این نقص تاریخی ما ایرانی‌هاست که به داشته‌های خودمان توجه عمیق و ریشه‌ای نداریم.

ما همان افرادی هستیم که با ذوق، این هنر را خلق کردیم اما در مورد آن نوشتیم تا آن را به یادگار بگذاریم. این نقص تاریخی ما ایرانی‌هاست که به داشته‌های خودمان توجه عمیق و ریشه‌ای نداریم.

ما همان افرادی هستیم که با ذوق، این هنر را خلق کردیم اما در مورد آن نوشتیم تا آن را به یادگار بگذاریم. این نقص تاریخی ما ایرانی‌هاست که به داشته‌های خودمان توجه عمیق و ریشه‌ای نداریم.

ما همان افرادی هستیم که با ذوق، این هنر را خلق کردیم اما در مورد آن نوشتیم تا آن را به یادگار بگذاریم. این نقص تاریخی ما ایرانی‌هاست که به داشته‌های خودمان توجه عمیق و ریشه‌ای نداریم.

ما همان افرادی هستیم که با ذوق، این هنر را خلق کردیم اما در مورد آن نوشتیم تا آن را به یادگار بگذاریم. این نقص تاریخی ما ایرانی‌هاست که به داشته‌های خودمان توجه عمیق و ریشه‌ای نداریم.

ما همان افرادی هستیم که با ذوق، این هنر را خلق کردیم اما در مورد آن نوشتیم تا آن را به یادگار بگذاریم. این نقص تاریخی ما ایرانی‌هاست که به داشته‌های خودمان توجه عمیق و ریشه‌ای نداریم.

ما همان افرادی هستیم که با ذوق، این هنر را خلق کردیم اما در مورد آن نوشتیم تا آن را به یادگار بگذاریم. این نقص تاریخی ما ایرانی‌هاست که به داشته‌های خودمان توجه عمیق و ریشه‌ای نداریم.

ما همان افرادی هستیم که با ذوق، این هنر را خلق کردیم اما در مورد آن نوشتیم تا آن را به یادگار بگذاریم. این نقص تاریخی ما ایرانی‌هاست که به داشته‌های خودمان توجه عمیق و ریشه‌ای نداریم.

ما همان افرادی هستیم که با ذوق، این هنر را خلق کردیم اما در مورد آن نوشتیم تا آن را به یادگار بگذاریم. این نقص تاریخی ما ایرانی‌هاست که به داشته‌های خودمان توجه عمیق و ریشه‌ای نداریم.

ما همان افرادی هستیم که با ذوق، این هنر را خلق کردیم اما در مورد آن نوشتیم تا آن را به یادگار بگذاریم. این نقص تاریخی ما ایرانی‌هاست که به داشته‌های خودمان توجه عمیق و ریشه‌ای نداریم.

ما همان افرادی هستیم که با ذوق، این هنر را خلق کردیم اما در مورد آن نوشتیم تا آن را به یادگار بگذاریم. این نقص تاریخی ما ایرانی‌هاست که به داشته‌های خودمان توجه عمیق و ریشه‌ای نداریم.

ما همان افرادی هستیم که با ذوق، این هنر را خلق کردیم اما در مورد آن نوشتیم تا آن را به یادگار بگذاریم. این نقص تاریخی ما ایرانی‌هاست که به داشته‌های خودمان توجه عمیق و ریشه‌ای نداریم.

ما همان افرادی هستیم که با ذوق، این هنر را خلق کردیم اما در مورد آن نوشتیم تا آن را به یادگار بگذاریم. این نقص تاریخی ما ایرانی‌هاست که به داشته‌های خودمان توجه عمیق و ریشه‌ای نداریم.

ما همان افرادی هستیم که با ذوق، این هنر را خلق کردیم اما در مورد آن نوشتیم تا آن را به یادگار بگذاریم. این نقص تاریخی ما ایرانی‌هاست که به داشته‌های خودمان توجه عمیق و ریشه‌ای نداریم.

ما همان افرادی هستیم که با ذوق، این هنر را خلق کردیم اما در مورد آن نوشتیم تا آن را به یادگار بگذاریم. این نقص تاریخی ما ایرانی‌هاست که به داشته‌های خودمان توجه عمیق و ریشه‌ای نداریم.

ما همان افرادی هستیم که با ذوق، این هنر را خلق کردیم اما در مورد آن نوشتیم تا آن را به یادگار بگذاریم. این نقص تاریخی ما ایرانی‌هاست که به داشته‌های خودمان توجه عمیق و ریشه‌ای نداریم.

ما همان افرادی هستیم که با ذوق، این هنر را خلق کردیم اما در مورد آن نوشتیم تا آن را به یادگار بگذاریم. این نقص تاریخی ما ایرانی‌هاست که به داشته‌های خودمان توجه عمیق و ریشه‌ای نداریم.

ما همان افرادی هستیم که با ذوق، این هنر را خلق کردیم اما در مورد آن نوشتیم تا آن را به یادگار بگذاریم. این نقص تاریخی ما ایرانی‌هاست که به داشته‌های خودمان توجه عمیق و ریشه‌ای نداریم.

ما همان افرادی هستیم که با ذوق، این هنر را خلق کردیم اما در مورد آن نوشتیم تا آن را به یادگار بگذاریم. این نقص تاریخی ما ایرانی‌هاست که به داشته‌های خودمان توجه عمیق و ریشه‌ای نداریم.

ما همان افرادی هستیم که با ذوق، این هنر را خلق کردیم اما در مورد آن نوشتیم تا آن را به یادگار بگذاریم. این نقص تاریخی ما ایرانی‌هاست که به داشته‌های خودمان توجه عمیق و ریشه‌ای نداریم.

ما همان افرادی هستیم که با ذوق، این هنر را خلق کردیم اما در مورد آن نوشتیم تا آن را به یادگار بگذاریم. این نقص تاریخی ما ایرانی‌هاست که به داشته‌های خودمان توجه عمیق و ریشه‌ای نداریم.

ما همان افرادی هستیم که با ذوق، این هنر را خلق کردیم اما در مورد آن نوشتیم تا آن را به یادگار بگذاریم. این نقص تاریخی ما ایرانی‌هاست که به داشته‌های خودمان توجه عمیق و ریشه‌ای نداریم.

ما همان افرادی هستیم که با ذوق، این هنر را خلق کردیم اما در مورد آن نوشتیم تا آن را به یادگار بگذاریم. این نقص تاریخی ما ایرانی‌هاست که به داشته‌های خودمان توجه عمیق و ریشه‌ای نداریم.

ما همان افرادی هستیم که با ذوق، این هنر را خلق کردیم اما در مورد آن نوشتیم تا آن را به یادگار بگذاریم. این نقص تاریخی ما ایرانی‌هاست که به داشته‌های خودمان توجه عمیق و ریشه‌ای نداریم.

ما همان افرادی هستیم که با ذوق، این هنر را خلق کردیم اما در مورد آن نوشتیم تا آن را به یادگار بگذاریم. این نقص تاریخی ما ایرانی‌هاست که به داشته‌های خودمان توجه عمیق و ریشه‌ای نداریم.

ما همان افرادی هستیم که با ذوق، این هنر را خلق کردیم اما در مورد آن نوشتیم تا آن را به یادگار بگذاریم. این نقص تاریخی ما ایرانی‌هاست که به داشته‌های خودمان توجه عمیق و ریشه‌ای نداریم.

ما همان افرادی هستیم که با ذوق، این هنر را خلق کردیم اما در مورد آن نوشتیم تا آن را به یادگار بگذاریم. این نقص تاریخی ما ایرانی‌هاست که به داشته‌های خودمان توجه عمیق و ریشه‌ای نداریم.

ما همان افرادی هستیم که با ذوق، این هنر را خلق کردیم اما در مورد آن نوشتیم تا آن را به یادگار بگذاریم. این نقص تاریخی ما ایرانی‌هاست که به داشته‌های خودمان توجه عمیق و ریشه‌ای نداریم.

ما همان افرادی هستیم که با ذوق، این هنر را خلق کردیم اما در مورد آن نوشتیم تا آن را به یادگار بگذاریم. این نقص تاریخی ما ایرانی‌هاست که به داشته‌های خودمان توجه عمیق و ریشه‌ای نداریم.

ما همان افرادی هستیم که با ذوق، این هنر را خلق کردیم اما در مورد آن نوشتیم تا آن را به یادگار بگذاریم. این نقص تاریخی ما ایرانی‌هاست که به داشته‌های خودمان توجه عمیق و ریشه‌ای نداریم.

ما همان افرادی هستیم که با ذوق، این هنر را خلق کردیم اما در مورد آن نوشتیم تا آن را به یادگار بگذاریم. این نقص تاریخی ما ایرانی‌هاست که به داشته‌های خودمان توجه عمیق و ریشه‌ای نداریم.

ما همان افرادی هستیم که با ذوق، این هنر را خلق کردیم اما در مورد آن نوشتیم تا آن را به یادگار بگذاریم. این نقص تاریخی ما ایرانی‌هاست که به داشته‌های خودمان توجه عمیق و ریشه‌ای نداریم.

ما همان افرادی هستیم که با ذوق، این هنر را خلق کردیم اما در مورد آن نوشتیم تا آن را به یادگار بگذاریم. این نقص تاریخی ما ایرانی‌هاست که به داشته‌های خودمان توجه عمیق و ریشه‌ای نداریم.

ما همان افرادی هستیم که با ذوق، این هنر را خلق کردیم اما در مورد آن نوشتیم تا آن را به یادگار بگذاریم. این نقص تاریخی ما ایرانی‌هاست که به داشته‌های خودمان توجه عمیق و ریشه‌ای نداریم.

ما همان افرادی هستیم که با ذوق، این هنر را خلق کردیم اما در مورد آن نوشتیم تا آن را به یادگار بگذاریم. این نقص تاریخی ما ایرانی‌هاست که به داشته‌های خودمان توجه عمیق و ریشه‌ای نداریم.

ما همان افرادی هستیم که با ذوق، این هنر را خلق کردیم اما در مورد آن نوشتیم تا آن را به یادگار بگذاریم. این نقص تاریخی ما ایرانی‌هاست که به داشته‌های خودمان توجه عمیق و ریشه‌ای نداریم.

ما همان افرادی هستیم که با ذوق، این هنر را خلق کردیم اما در مورد آن نوشتیم تا آن را به یادگار بگذاریم. این نقص تاریخی ما ایرانی‌هاست که به داشته‌های خودمان توجه عمیق و ریشه‌ای نداریم.



من احب الله و ابغض الله و اعطی الله فیه من کمال ایمانه

هر که برای خدا دوست دارد و برای خدا دشمن دارد و برای خدا عطا کند از کسانی است که ایمانش کامل است.

من احب الله و ابغض الله و اعطی الله فیه من کمال ایمانه

من احب الله و ابغض الله و اعطی الله فیه من کمال ایمانه

من احب الله و ابغض الله و اعطی الله فیه من کمال ایمانه

من احب الله و ابغض الله و اعطی الله فیه من کمال ایمانه

من احب الله و ابغض الله و اعطی الله فیه من کمال ایمانه

من احب الله و ابغض الله و اعطی الله فیه من کمال ایمانه

من احب الله و ابغض الله و اعطی الله فیه من کمال ایمانه

من احب الله و ابغض الله و اعطی الله فیه من کمال ایمانه

من احب الله و ابغض الله و اعطی الله فیه من کمال ایمانه

من احب الله و ابغض الله و اعطی الله فیه من کمال ایمانه

من احب الله و ابغض الله و اعطی الله فیه من کمال ایمانه

من احب الله و ابغض الله و اعطی الله فیه من کمال ایمانه

من احب الله و ابغض الله و اعطی الله فیه من کمال ایمانه

من احب الله و ابغض الله و اعطی الله فیه من کمال ایمانه



الهام رمضانی از

بلاکه نگاه می کنی زندگی همه ما شبیه به هم است. یک روز به دنیا آمده‌ایم، قد کشیده‌ایم، درس خوانده‌ایم، مبتلای چیزی یا کسی شده‌ایم و بعد هم حاصلی فراهم کرده یا نکرده به جهان باقی رفته یا قرار است برویم. آنچه این داستان تکراری را جلا می دهد، نزدیکی به سوژه و کشف سر ابتلایمان است. کشف اینکه هر کدام از ما مبتلا به چه و که شده‌ایم و این ابتلا با ما چه کرده و ما با او چه کرده‌ایم. این است که وقتی یک جست‌وجوی دم‌دستی در اینترنت انجام می دهی، سید طاهر صباحی فقط یکی از معتبرترین کارشناسان و متخصصان حوزه فرش در دنیاست. گنجینه‌دار معروف مقیم ایتالیا که حدود ۱۸ عنوان کتاب به زبان‌های ایتالیایی، فرانسوی و انگلیسی درباره هنر فرش ایرانی منتشر کرده، مدیر یک نشریه دوزبانه با عنوان «گره» در مورد فرش است و به جز نمایشگاه‌های متعددی که در دنیا برگزار کرده و تدریس‌های متعدددش، خانه‌اش در ایران هم موزه فرش است. با وجود این، همه این عنوان‌ها به همراه تحصیلات و سال‌ها تدریس و پژوهش هنوز نمی توانند معرف خوبی برای او و آنچه تا کنون کرده، باشد؛ چرا که ما به قدر کافی به او نزدیک نشده‌ایم و سر ابتلایش به فرش را نفهمیدیم. ابتلایی که او را دور دنیا گردانده و از موزه‌های بزرگ فرش در اروپا تا سیاه‌چادرهای قشقای‌ها در ایران برده است، عشقی که او را به مشهد آورده و او داشته ۱۳۳ تخته قالی نفیس قدمت‌دار و سوزنی و... از گنجینه نفیسیش را تقدیم موزه فرش آستان قدس رضوی کند. گفت‌وگوی پیش رو حاصل تلاش ما برای فهمیدن سر ابتلای دکتر صباحی به قالی ایرانی است. امیدواریم مؤثر واقع شود.

نخستین مواجهه شما با فرش کجا بود و چه شد قالی را دریافتید؟

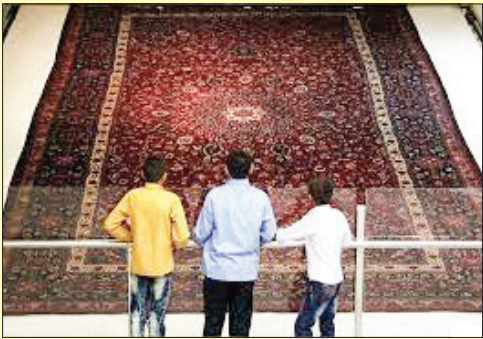
قالی جزو زندگانی ما ایرانی‌هاست. ما ایرانی‌ها روی قالی به دنیا آمدیم، روی قالی بزرگ شدیم، خندیدیم، گریه کردیم، میهمانی گرفتیم، بیمارمان را روی قالی دیدیم. قالی همیشه همراه ما بوده؛ این است که نمی توانیم بگوییم کی و کجا با قالی آشنا شدیم. با وجود این می شود گفت ما هم آن را می شناسیم و هم نمی شناسیم. آن قدر نزدیک ما بوده که او را درنیافتیم. قالی برای ما یک بیگانه نزدیک است. بیگانه‌ای که با او انس گرفتیم اما هرگز درکش نکردیم. به همین دلیل نخستین افرادی که درباره قالی نوشته‌اند، ایرانی‌ها نیستند، بیگانه‌ها بودند؛ افرادی که از این فرهنگ دور بودند. انگلیسی‌ها نخستین آثار را در خصوص قالی در سال ۱۸۷۰ منتشر کردند. سپس آلمانی‌ها بودند. نخستین نمایشگاه‌ها را اتریشی‌ها برگزار کردند، بعد در فرانسه بود. این است که ارزشمندترین قالی‌های صفوی از ایران رفته‌اند و قصرها و موزه‌های آن‌ها را مفروش کرده‌اند. چرا؟ چون ما قالی را به عنوان یک



**صدیقه سادات بهشتی** | اگر علاقمند به هنر فرش ایرانی باشید همیشه سرتان پایین است. برای دیدن این هنر سرتان را پایین می اندازید و دسترنج هنرمندانه قالیافان و فرشافان را زیر پایتان می بینید. این بار برای دیدن نقش اسلیمی‌ها که در هم می پیچند و گل و مرغ‌ها که بالا می روند، باید سربلند کنید و در موزه‌ای پر از نقش تار و پود به تماشای هنر نخ‌ها و رنگ‌ها بنشینید. داریم از موزه مخصوص فرش‌های نفیس در مجموعه موزه‌های آستان قدس رضوی می گوئیم که در سه طبقه طراحی شده است.

داستان فرش‌های موزه فرش آستان قدس از همان تار و پودهایی که قالیافان زده‌اند شروع شده است. ۹۰ درصد این فرش‌ها نذر و وقف حرم مطهر هستند. صاحبانشان تصمیم گرفتند زندگی این فرش‌ها را جادوانه کنند. یکی از جذاب‌ترین و متبرک‌ترین قالی‌ها و قالیچه‌ها، صندوق پوش‌ها و ضریح پوش‌های تاریخی و هنری حرم مطهر است که آن‌ها هم در موزه فرش نگهداری می شوند. قدیمی‌ترین اثر کتیبه‌دار این مجموعه مربوط به سال ۹۵۲ هجری است.

در بزرگ‌ترین موزه تخصصی فرش خاورمیانه فرش‌های زیادی را می بینید که به‌خاطر هنرشان، قدمتشان و اصلتشان پیش چشم‌ها قرار دارند. قالی‌ها و گلیم‌ها و فرش‌ها در شرایطی استاندارد و دما و رطوبتی که به صورت دیجیتالی مرتباً اندازه‌گیری می شود در موزه



نمایش داده شده‌اند. همه فرش‌ها هم جلو چشم نیستند، مخزن فرش‌های موزه حرم میزبان فرش‌هایی است که به نگهداری ویژه‌ای نیاز دارند و در دوره‌های خاص در معرض دید قرار می گیرند. فرش‌ها در موزه، با بهترین روش نمایشی در دنیا به دو صورت افقی یا شیب بسیار ملایم که فرش به‌هیچ‌وجه آسیب نمی بیند و روش عمودی با استفاده از نوارچسب و لُکرو (نوارچسب‌ها وزن فرش را به‌صورت متعادل در همه سطوح آن تقسیم می کنند) که بر اساس ابعاد و وزن خود فرش نگهداری می‌شود به نمایش گذاشته‌شده‌اند.

در حرم

معرفی اجمالی موزه فرش آستان قدس رضوی

## گنجینه‌ای از نقش و نگار

**یک راهنمای ساده:** برای دیدن فرش‌های کویر ایران و فرش‌های خراسانی و بلوچی به طبقه همکف بروید، آنجا با قالی‌های پرده‌ای مواجه می شوید که شبیهش را جایی ندیده‌اید. قالی پرده‌ای محرابی درختی که در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۲ به سفارش عبدالله تبریزی توسط استاد محمد کرمانی بافته و وقف حرم شده را در این قسمت می بینید. در دوره‌هایی از تاریخ درهای ورودی حرم قالی‌های پرده‌ای داشته‌اند که آستان مقدس سفارش بافت این قالی پرده‌ها را به هنرمندان داده است. یکی از این قالی‌ها، قالی‌های پرده‌ای ارجمند کرمانی هستند.

فرش‌ها و قالیچه‌ها و گلیم‌های عشایر و ایلات و فرش تبریز و کرمانشاه را در طبقه دوم موزه ببینید و غرق هنر ترک‌ها و کردها در گره‌زدن و نقش انداختن شوید. اگر هم دوست دارید د تاریخ شوید و به دوره صفویه سفر کنید تا ببینید شیخ بهایی و ملاصدرا زیر پایشان چه هنری را می دیدند به طبقه منفی یک بروید.

برای سر زدن به موزه نقش و نگار‌ها، می توانید روزهای شنبه تا چهارشنبه از ساعت ۸ تا ۱۲:۳۰ و روزهای پنجشنبه و جمعه و ایام تعطیل رسمی از ساعت ۸ تا ۱۱:۳۰ در صحن کوثر حرم مطهر رضوی، در مجاورت موزه مرکزی آستان قدس رضوی به تماشای فرش‌ها بروید.